Archive of SID

خرد و شرف

(یادنامه دکتر شرف)

•دکتر ابوالقاسم ذاکرزاده
دانشگاه شهید بهشتی

فلسفیدن به معنای عشق ورزیدن به خرد است. چون انسان به‌خاطر خرد خویش اشرف مخلوقات است؛ پس خردورزی مایه کسب شرف است. دکتر شرف به خرد عشق ورزید و تا پایان عمر آن را به کسب ثروت و مقام ترجیح داد. ما قدر خدمت فرهنگی او را هنگامی به‌درستی تشخیص می‌دهیم که اهمیت خرد را مد نظر قرار دهی‌م. تکلیف فلسفه، یافتن ارزش‌های فرهنگی است. این ارزش‌ها فوق ارزش‌های مادی و حتی ارزش‌های حیاتی قرار دارند. در یک جامعه بی‌فرهنگ خواه دولتمند و خواه بدون دولت انسان گرگ انسان است. با بیانی دیگر، انسان حیوانی است که طی حیاتش با کسب فرهنگ انسان می‌شود. تکامل انسان بر خلاف سایر حیوانات تکاملی فرهنگی است نه تکامل زیست‌شناختی. از ظهور همو زاپینس زاپینس[1] (Homo Sapiens Sapiens) تاکنون حجم جمجمه انسان تغییری نکرده است. اما برخلاف حیوانات وضعیت زندگانی انسان در اثر رشد خرد بسیار توسعه یافته است تا جایی‌که به کرات دیگر پرواز می‌کند و در عمق اقیانوس‌ها فرو می‌رود. با نیروی اندیشه خویش به دل سخت‌تر اجسام رسوخ می‌کند. غریزه انسان فقط در اثر شکستن ژن‌ها در طول سال‌های طویل زمین‌شناختی تغییر می‌کند و امکان تکامل احتمالی زیست‌شناختی انسان را به‌وجود می‌آورد. اما خرد به‌سرعت می‌تواند تغییر و تکامل یابد. غریزه در وجود انسان به‌صورت یکنواخت موجود است و در وجود او تکامل نمی‌یابد. اگر هدف انسان غریزه باشد به دور خویش می‌چرخد. اما خرد دارای استعداد تکاملی است. انسان را از محدوده غریزه خارج می‌سازد. انسان نمی‌تواند و نباید طبیعت خویش را تغییر دهد، اما می‌تواند آن را با ارزش‌های فرهنگی و معنوی غنی‌تر سازد. کار خردمندان یافتن ارزش‌های فرهنگی و تحقق آن است. یافتن و تحقق هر ارزشی وابسته به شرایط موجود می‌باشد. شرایط جدید ارزش‌های مناسب خود را اقتضا می‌کند. البته باید توجه داشت که ارزش‌های فرهنگی فی‌نفسه مطلق می‌باشند. اما یافتن و اعتبار بخشیدن و اولویت دادن به آن‌ها متناسب با شرایط اجتماعی انجام می‌گیرد. به‌طور مثال، هنگام تشکیل جامعه شجاعت که خود ارزشی مطلق است و برای حفظ جامعه در برابر تهدید دشمنان ضروری است، بیش از ارزش‌های دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد، اما بعد از تشکیل جامعه تحقق عدالت که آن نیز ارزشی مطلق است، برای تحکیم بافت جامعه ضرورت می‌یابد. از این

• دکتراي فلسفه از دانشگاه فني آخن آلمان، استاديار گروه فلسفه.

۱. چون ما انسان‌ها هوشمندتر از نئاندرتال‌ها هستيم، نئاندرتال‌ها را Homo Sapiens ولی ما را Homo Sapiens Sapiens می‌نامند.

www.SID.ir

Archive of SID

رو، عدالت بالاترین اعتبار را کسب می‌کند. اگر انسان به تحقق ارزش‌هایی که قبلاً شناخته تعصب به خرج دهد و سعی دریافتن ارزش‌هایی جدیدی ننماید خـــرد و فلسفه پویایی خویش را از دســـت می‌دهند و اگر شرایط تغییر کند چون افراد جامعـــه ارزش‌های مناســـب شرایط جدیـد را نمی‌شناسند دچار بحران شده و لجام گسیخته می‌گردند و جامعه دچار انحطاط شده و رو به زوال می‌رود. از این رو، جامعه به‌خصوص هنگام بحران‌های فرهنگی و معنوی نیاز به خردمندانی دارد که چون شمع می‌سوزند اما با پرتو اندیشه خود راهی از دل تاریکی به سوی زندگی و جامعه‌ای انسانی می‌گشایند. اندیشه خردمندان سبب پویایی فرهنگی است اما این اندیشه به آسانی ایجاد نمی‌شود. نیچه می‌گوید: آری من می‌دانم چیستم. چون شمع سیری ناپذیرم. خود را ملتهب می‌سازم و خود را می‌خورم. هر چه می‌اندیشم نور می‌شود و آن‌چه از من باقی می‌ماند خاکستر است. سیصد سال پیش از او شیخ بهائی گفت:

تا نیست نگردی ره هستت ندهند — این مرتبه با همـــت پستت ندهند
چون شمع قرار سوختن گر ندهی — سررشته روشنی به دستـــت ندهند

آری سختی کشیدن و مشقت بردن در راه ایجاد فرهنگ و اشاعه آن برای خردمندان از جمله دکتر شرف رنج‌آور اما افتخارآمیز است. خاری در راه ایجاد و اشاعه فرهنگ به شکوه در جهت خلاف آن شرف دارد. هنگامی که افراد جامعه فرهیخته باشند یعنی مغلوب غریزه خویش نباشند مشکلات خویش را با کمک عقل‌شان حل می‌کنند نه به زور. هر جا که عقل هست زور نیست و هر جا که زور هست عقل نیست. ما این حقیقت را در زندگی روزمره نیز تجربه می‌کنیم. به‌طور مثال، اگر عقل ما هنگام تعمیر دستگاهی یاری کند با خونسردی به تعمیر آن می‌پردازیم. اما اگر عقل ما نرسد با مشت روی دستگاه می‌کوبیم. عقل در رفع مشکلات معجزه می‌کند. در عهد سیطره اسطوره در یونان معجزه منحصر به خدایان بود. در مصر حضرت موسی با عصای خویش معجزه می‌کرد. اما هنگامی که فرعون خواست تا ارتفاع اهرام را اندازه گیرند خردمندی ظرف چند دقیقه با عصای خویش معجزه‌آسا ارتفاع بلند هرم را تعیین کرد. او هنگام غروب آفتاب عصای خود را طوری در زمین فرو برد که نوک سایه آن با نوک سایه هرم بر روی هم افتادند. در نتیجه دو مثلث متشابه به وجود آمد. تنها ارتفاع هرم مجهول بود که او با یک عمل ضرب و تقسیم آن را تعیین کرد. امروزه در هر زمینه علمی معجزه انجام می‌گیرد، به‌طوری که به‌صورت عادی در آمده است. اما این معجزات حاصل زحمات دانشمندان و خردمندانی است که برای یافتن‌شان ریاضت کشیده‌اند. گالیله توانست با دوربین نجومی حقانیت گفتار کپرنیک را نشان دهد. اما کلیسا که بر دین تعصب داشت خرد را کنار گذاشت و با گالیله مخالفت کرد. گالیله حرفش را پس گرفت اما حقیقت گفتارش باقی ماند. از آن زمان هر دانش‌آموزی می‌تواند حقانیت گفته کپرنیک و گالیله را تأیید کند اما کلیسای قهار و کودن تازه پس از ۴۰۰ سال از گالیله معذرت خواست. بسیاری از خردمندان و دانشمندان چون گالیله از طرف کلیسا یا از طرف حکام تهدید شده‌اند.

www.SID.ir

Archive of SID

اما حقایق جاویدانی که یافته‌اند بر قدرت خویش باقی مانده اگر چه آن حکومت‌ها منقرض شده و آن روحانیان از صحنه تاریخ محو شده‌اند. بولتسانو که خود فیلسوفی روحانی بود می‌گوید حقایق جاویدانی چون ۴=۲×۲ یا من می‌اندیشم پس هستم وجود دارند که حتی خداوند نیز نمی‌تواند بداهت آن‌ها را منتفی سازد (Fischl 1945: 165). علت آن پرواضح است. حقایق جاویدان به ذات خداوند تعلق دارند و خداوند ذات خویش را منتفی نمی‌سازد. بنابراین، حقایق ازلی مستقل از اراده خداوند می‌باشند. افلاطون با منطق دیالکتیک جویای چنین حقایق جاویدانی بود او پیرو پیامبری نبود و خود نیز ادعای پیامبری نکرد بلکه از طریق تعقل به وجود جاویدان خداوند اعتقاد یافت. به‌این‌ترتیب، که او به دنبال گفتار استادش سقراط درصدد برآمد ارزش یا نیکی امور و اشیا را تعیین کند. او متوجه شد که ارزش هر امری خارج از آن قرار دارد. به طور مثال، ارزش کاغذ درون کاغذ نیست بلکه در نوشتن است و ارزش نوشتن در آموختن است. این تسلسل نمی‌تواند تا بی‌نهایت ادامه داشته باشد زیرا در این صورت هیچ امری ارزش نخواهد داشت پس باید موجودی در پایان وجود داشته باشد که ارزشش درون خود اوست و به امور جهان ارزش می‌بخشد. اپیکور به خدا اعتقاد نداشت اما می‌گفت پیرو عقل خویش باشید زیرا اگر خداوند نیز وجود داشت سخنی نمی‌گفت که نابخردانه باشد. در عهد باستان فیلسوفان معتقد بودند که از طریق تعقل می‌توان به خداوند راه یافت. حتی افلوطین که نظریه‌ای عارفانه دارد طریق دیالکتی‌ک را در کنار تزکیه روح راهی به‌سوی خداوند می‌داند. با توسعه دین مسیح در اروپا خرد تحت تسلط دین قرار گرفت و حتی با آن شدیداً مبارزه شد. ترتولیان گفت ایمان دارم زیرا نابخردانه است. اگوستین تنها مسیحیان برگزیده را اخلاقی و شایسته رستگاری می‌داند. او به اخلاقی بودن فیلسوفانی چون سقراط، افلاطون وارسطو اعتقاد ندارد. برای آن‌که اسقف‌ها آرای او را بپذیرند. هشتاد اسب عرب را به آن‌ها هدیه کرد (Strohm 1999: 47). اندیشه خردمندانی چون پلاگیوس و آبلار تحت‌الشعاع عقیده تعصب‌آمیز او قرار گرفت. کلیسا که از زمان کارل کبیر که بانی نظام فئودالی در اروپا است قدرت سیاسی نیز یافته بود حتی علیه توصیه مسیح که گفته بود دشمنت را دوست بدار با مسلمانان و طاهرین در جنوب فرانسه به جنگ پرداخت و آن‌ها و یهودیان را قتل عام کرد. چنین قدرت مقتدری علیه خردمندان و دانشمندان که اقتدار و عقاید نابخردانه آن را تأیید نمی‌کردند به شدت رفتار می‌کرد. کلیسای کاتولیک و پروتستان نه تنها جوردانو برونو و میشل سروه کاشف گردش صغیر خون را زنده سوزاندند بلکه عده‌ای از مخالفان خود را به جرم جادوگری و میثاق با شیطان تا قرن هجدهم به قتل می‌رساندند. نخستین فیلسوف روشنگر آلمانی توماسیوس قاطعانه با این جنایات کلیسایی مبارزه کرد (Brockhaus). اراسموس پاپ یولیوس دوم را پاپ خونخوار می‌نامد (Lilje 1954: 36). در قرن پانزدهم همزمان در اروپا سه پاپ ادعای جانشینی عیسی مسیح را داشتند (Borries & Borries 1991: 190) پاپ‌های آن دوره دارای فرزندان نامشروع بوده و در قتل مخالفین دخالت داشتند. کلیسای کاتولیک هنگام استقرار قدرت خود در روم برای محق نشان دادن بنای قدرت خود سندی را به این مضمون

www.SID.ir

Archive of SID

ارائه کرد که کنستانتین نخستین امپراطور مسیحی روم مرکز دینی روم را به مرکز انتیوخیا و اسکندریه و اورشلیم ترجیح داده است. لارنتیوس والا فیلسوف اومانیست در دوره رنسانس ثابت کرد که این سند جعلی بوده است زیرا در دوره حکومت کنستانتین اورشلیم جزء مراکز مذهبی نبوده است (Strohm 1999: 64). چنین قدرت دینی قهار و مکاری به نام خدا با خردمندان و دانشمندان مبارزه می‌کرد. در حیطه فرهنگی ما زرتشت خداوند خردمند را در رأس امور جهان قرار داد. اهورامزدا یعنی مرد یا سرور خردمند. زرتشت انسانی را اخلاقی و نیک می‌داند که اندیشه و رفتار و گفتار نیک دارد. او اندیشه و کردار و رفتار را با هم هماهنگ نمود. در دین اسلام خداوند خردمند حاکم بر جهان است. پیامبر باید به‌کرات خداوند را به خاطر دو رکن هستی‌اش سپاس می‌گذاشت یکی به‌خاطر جسم‌اش و دیگر به‌خاطر استعداد آموختنش. پیامبر توصیه کرد که مسلمین ز گهواره تا گور دانش بجویند حتی اگر در چین باشد. مسلم است که دستورات دینی را مسلمین باید از خود پیامبر می‌آموختند نه از مردم چین. بنابراین، منظور ایشان علم به معنی کلی آن بوده است. پیامبر فرمود پس از من پیامبری نخواهد آمد و کتاب قرآن و عقل شما راهنمای شما خواهد بود. البته عقل کسی که ز گهواره تا گور دانش جسته است. پس از تسلط دین اسلام فلسفه و علم در ایران رونق یافت. اما در اینجا نیز دشمنی با خردمندان آغاز شد. امام محمد غزالی مرگ فیلسوفان را طلب کرد. از آن پس از رونق فلسفه به‌خاطر دشمنی تعصب‌آمیز با آن کاسته شد و نتوانست در شاخه‌های گوناگون توسعه یابد. در ایران خرد نتوانست به اندازه احساس شاعری و هنری رشد نماید. اگر ایرانیان دارای احساس لطیف هستند اما ساده اندیشند. ژرف‌اندیشی از طریق تعقل صورت می‌گیرد. فلسفه اصول امور را بررسی می‌کند. به این دلیل هر زمینه کلی و علمی دارای فلسفه ویژه خویش است. مسلم است کسی که به اصول امور پرداخته باشد امور را عمیق و چندجانبه دیده و دیگر ساده‌اندیشی نمی‌کند. در اینجا نیز نقش پراهمیت شرف و شرف‌ها در جهت آموزش ژرف‌اندیشی روشن می‌شود. او نیز مانند خردمندان دیگر در زندگی رنج کشید و مورد بی‌احترامی نابخردان قرار گرفت. در مرحله اول فعالیت فرهنگی خویش خواهان رفاه و سعادت برای همگان بود. او تاوان سنگینی بابت آن پرداخت. اما شرف در مرحله بعدی نیز صداقت و متانت خود را حفظ کرد. در مراحل آخر او صاحب ایمانی عارفانه بود. شرف خرد و احساس شاعری را با هم هماهنگ ساخت و در زمره سخنوران خردمندی قرار گرفت که حافظ احترام آن‌ها را در قبال حرافان نابخرد خواهان است.

همای گو مفکن سایه شرف هرگز　　بر آن دیار که طوطی کم از زغن باشد

ما به شرف و شرف‌ها احترام می‌گذاریم تا همای بر سر ما سایه شرف افکند.

منابع

www.SID.ir

Archive of SID

Fischl, Johan. 1945. *Geschichte der Philosophie*. Wien, Koeln: Graz.

Strohm, Leo. 1999. *2000 Jahre Christentum: Eine Religion verändert die Welt.* Stuttgart: Kreuz Verlag.

Brockhaus Enzyklopaedie. 1973. Wiesbaden: Siebzehnter Band.

Stoerig, Hans Joachim. 1995. *Kleine Weltgeschichte der Philosophie*. Frankurt am Main: Fischer Taschenbuch Verlag.

Lilje, Hans. 1952. *Luther*: *Anbruch und Krise der Neuzeit*. Nuernberg: Laetare Verlag.

Borries, Ernst and Erika von Borries. 1991. *Deutsche Literatur geschichte*: *Mittelalter, Humanismus, Reformationszeit, Barock* [Band. 1]. Muenchen: Deutscher Taschenbuch Verlag.

www.SID.ir